



وعده‌های غیرعملی بانک مرکزی؛

شهروندان نسبت به سیستم بانک بے باور شده‌اند



همزمان با اعلام تصمیم جدید بانک مرکزی زیر کنترل طالبان مبنی بر افزایش سقف برداشت پول از حساب‌های بانکی، شماری از حساب‌داران می‌گویند که بانک‌های خصوصی این تصمیم طالبان را رعایت نمی‌کنند. بانک مرکزی به‌تازگی سقف برداشت پول از حساب‌های بانکی را از ۲۰ هزار به ۵۰ هزار افغانی در هفته افزایش داده است. این بانک همچنان شهروندان را به افتتاح حساب‌های جدید بانکی ترغیب کرده و خاطر نشان ساخته که بر برداشت پول از حساب‌های جدید هیچ نوع محدودیتی وجود نخواهد داشت. هرچند مقام‌های طالبان تلاش دارند اعتماد افراد و...

سیاست مهم‌ترین عمل اجتماعی (۳)



فقر و محدودیت در افغانستان؛

در یک ماه گذشته ۱۶ تن خودکشی کرده‌اند

وزیران خارجه بلجیم و اوزبکستان در مورد زنان افغانستان گفت‌وگو کردند

۸صبح، کابل: حاجا لحيب، وزير خارجه بلجيم، گفته است که در دیدار با سرپرست وزارت خارجه اوزبیکستان در مورد اوضاع افغانستان به‌ویژه اوضاع زنان و دختران افغان، گفت‌وگو کرده‌اند.

حاجا لحيب نوقت روز یکشنبه، ۳ ثور، با نشر توییتی از دیدار با بختيار سعیداف، سرپرست وزارت خارجه اوزبیکستان، خبر داده است. او افزوده است که در این دیدار اوضاع افغانستان به‌ویژه اوضاع زنان و دختران در این کشور و جنگ اوکراین، بخشی از گفت‌وگو میان او و بختيار سعیداف بوده است.

خانم لحيب تصريح کرده است که با سرپرست وزارت خارجه اوزبیکستان در پیوند به مسایل حقوق بشری و همکاری‌های دوجانبه میان بلجیم و اوزبیکستان نیز گفت‌وگو کرده است.

گفتنی است که پس از تسلط گروه طالبان بر افغانستان، اوزبیکستان از جمله کشورهایی بوده که با این گروه روابط نزدیک برقرار کرده است.



ادامه نشست ویانا؛

محور اصلی تقویت وحدت نیروهای ضد طالبان است



۸صبح، وین: در ادامه دومین نشست جریان‌ها و چهره‌های مخالف طالبان در اتریش، اشتراک‌کنندگان این نشست، به روزنامه ۸صبح گفت: «انتظارات ما از این نشست این است که گروه مخالفان طالبان باید هم‌صدایی و اتحاد داشته باشند تا بتوانیم افغانستان اشغال شده توسط طالبان را آزاد کنیم.»

گفتنی است که این نشست برای دومین بار چاشت روز دوشنبه، ۴ ثور، از سوی انستیتوت بین‌المللی اتریش در وین، پایتخت این کشور، برگزار شده است.

احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان، دکتر رنگین دادفر سینتا، مشاور امنیت ملی پیشین و فوزیه کوفی، عضو پیشین مجلس نمایندگان، از اشتراک‌کنندگان این نشست هستند.

ایجاد هماهنگی و اعتمادسازی میان جریان‌های مخالف طالبان و نیز گسترش مقاومت در برابر این گروه، از محورهای اصلی این نشست گفته شده است.

از میان ۴۱ مهمان دعوت‌شده به نشست وین، صلاح‌الدین ربانی، رهبر حزب جمعیت اسلامی، زلمی رسول، وزیر امور خارجه پیشین، مسعود اندرابی، سرپرست وزارت امور داخله حکومت غنی و رحمت‌الله نبیل، رییس امنیت ملی حکومت پیشین، در این نشست اشتراک کرده‌اند.

۶ صفحه

چرا طالبان حکومت فراگیر نمی‌سازند؟



۷ صفحه

زنان آزاد افغانستان و دشمنان آن‌ها



صحرامانی با فیلم «نان و گل رز» نامزد جایزه جشنواره کن شد

۸صبح، کابل: جشنواره سینمایی معتبر کن در فرانسه اعلام کرده است که صحرا مانی، کارگردان اهل افغانستان، با فیلم مستند «نان و گل رز» در میان نامزدان هفتادوششمین دوره این جشنواره بین‌المللی است. وبسایت سینمایی ددلاین به نقل از جشنواره کن روز دوشنبه، ۴ ثور، نگاشته است که این مستند درباره استقامت زنان افغان در زیر سلطه طالبان است. بر بنیاد این گزارش، مستند صحرا مانی در بخش «نمایش ویژه» جشنواره بخش خواهد شد. «نان و گل رز» داستان استقامت و مصایب زنان افغان در زیر سلطه طالبان را به تصویر می‌کشد. در این مستند، زنده‌گی سه زن روایت شده است. پیش از این نیز صحرا مانی، کارگردان افغان، مستندی را در سال ۲۰۱۹ تحت نام «هزار و یک زن چون من» درباره یک دختر جوان اهل افغانستان که از سوی پدرش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود، ساخته است.





پایداری اجتماعی، بخش مهم مبارزه با طالبان

در مناسبت‌هایی چون عید، کسانی از مردم گرفتار و دربند در دوراهی قرار می‌گیرند و از خود می‌پرسند: آیا این روزها که وطن در اشغال است، آزادی‌ها سلاخی شده، نان در دستخوان اکثریت مردم کم‌یاب گشته، زنان از مکتب و تحصیل بازداشته شده‌اند، زخم جدایی و پراکنده‌گی اجباری هزاران خانواده بسیار تازه و دردناک است و مبارزه چشم‌گیر نیز برای نجات هنوز شکل نگرفته، عید را چگونه تجلیل کنیم و چطور با نزدیکان و دوستان شادی شریکی و خوش‌آمدگویی نماییم؟ در عید امسال نیز این سخن میان گروهی از هم‌وطنان ردوبدل می‌شد و سایه اندوه در برخی از پیام‌های عیدمبارکی آشکار بود. اما تبادل اندوه و اجتناب از تشریک شادی نه‌تنها از رنج‌های جمعی و فردی ما نمی‌کاهد، بلکه بر آن‌ها می‌افزاید. تجلیل از عید و مناسبت‌هایی که همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند، برای پایداری و جلوگیری از فروپاشی بیشتر جامعه بسیار مهم است. این مناسبت‌ها برای تجدید قوا، مدیریت اندوه و انتقال حس مقاومت و سرزندگی به هم‌دیگر، کمک می‌کند.

امروز که طالبان جبهه‌داران تاریکی و بدبختی‌اند، خنده و شادی را حرام می‌شمارند، تفریح و آزادی را منع کرده‌اند و از همبستگی و تجمع مردم هراس دارند، شادی و تبدیل اندوه به مقاومت، بخشی از مبارزه جمعی است، نه بی‌توجهی به وضعیت دشوار ما. ملت افغانستان به ایستاده‌گی در برابر ناملایمات شهره است. متأسفانه تاریخ این سرزمین پر از توفان‌های سیاسی و رنج‌های اقتصادی بوده است. بارها نیروهای ویرانگر و قاتلان حرفه‌ای مردم ما را تا مرز فروپاشی کشانده‌اند، ولی مقاومت‌های کم‌نظیر و پایداری بدون تضرع و واویلا که در ادبیات و فولکلور ما از گذشته‌گان به‌جا مانده است، حکایت از نقش سازنده حفظ حس سرزندگی در روزهای دشوار دارد. شکست متجاوزان به حقوق و آزادی‌های مردم با اندوه و دوری جستن از عید و تفریح، به دست نمی‌آید؛ چرا که پیروزی از آن آنانی است که در تاریک‌ترین روزها نیز دست از امید نمی‌کشند و به هر بهانه‌ای به تجدید قوا و همبستگی می‌پردازند. کسانی از ما در جمع اطرافیان افرادی را می‌شناسیم که زخم‌ها و شکست‌ها، آنان را از پا درنیارده و تعدادی از آنان پس از آن که عضوی از بدن خود را از دست داده، نه‌تنها میدان کار و پیکار را ترک نگفته، بلکه با اراده قوی‌تر به زندگی برگشته‌اند. این ویژه‌گی برای جامعه نیز صادق است. مردمی که به زخم‌های خود سر خم کند و مشغول شمردن شکست‌ها شود، غافل خواهد شد و تا بیداری مجدد فرصت زیادی را از دست خواهد داد.

حاکمیت گروه طالبان سرایشی گذرا در حیات اجتماعی ما است و بر ما است که با چشم دوختن به چشم‌اندازهای پس از طالبان، با این سرایشی برخورد عینی کنیم و از آن قیامت و پایان تاریخ نترسیم. عیدهای پرشکوه‌تر به مملکت ما بخواهند گشت و سازوسرود و کار و آبادی دوباره رونق خواهند گرفت. تا آن زمان، باید سلامت روانی و فرهنگی خود را حفظ کنیم و برای بازسازی اجتماع و کشور پس از آزادی آماده باشیم. حفظ سلامت فردی و کمک به سلامت نزدیکان، بخشی از مبارزه علیه طالبان است. برای شکست این گروه عقب‌گرا، تنها تفنگ و مبارزه مسلحانه نیاز نیست، بلکه هر حرکت خلاف آن‌چه طالبان دستور می‌دهند (سکوت، اطاعت، اندوه، دوری از شادی و ناچیز شمردن زنده‌گی) و هر تدبیری که ما را در گذر سالم‌تر از این بحران یاری رساند، مبارزه است و پیروزی جمعی ما را یاری خواهد رساند.

ترامپ پوتین پس از خروج امریکا از افغانستان بیشتر جاه‌طلب شده است



۸صبح، کابل: دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین امریکا، به‌تازگی گفته که ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، پس از بیرون شدن نیروهای خارجی به رهبری امریکا از افغانستان، بیشتر جاه‌طلب شده است. هیل، یک‌شنبه‌شب، ۳ ثور، گزارش داده که رییس جمهور پیشین امریکا این مطلب را در یک برنامه تلویزیونی در فاکس‌نیوز بیان کرده است. ترامپ با شرم‌آور خواندن نحوه عقب‌نشینی امریکا از افغانستان گفته است: «من فکر می‌کنم که پوتین واقعاً این را دید و احتمالاً کمی جاه‌طلبی بیشتری پیدا کرد.» در حالی که کاخ سفید اخیراً در گزارشی دونالد ترامپ را در پیوند به نحوه خروج نیروهای امریکایی

از افغانستان مقصر دانسته است، او تأکید کرده که کشورش خروج «باعزت و قدرت» را از افغانستان از دست داد. رییس جمهور پیشین امریکا همچنان خواستار محاکمه مارک میلی، رییس ستاد مشترک ارتش این کشور، در پیوند به خروج فاجعه‌بار از افغانستان شده است. خروج آشفته نیروهای امریکایی در پی تسلط طالبان بر افغانستان در ۱۵ آگست سال ۲۰۲۱، با انتقادهای تند قانون‌گذاران امریکایی روبه‌رو شده است. در حال حاضر نحوه خروج دولت جو بایدن از افغانستان زیر ذره‌بین مجلس نماینده‌گان امریکا قرار دارد.

روند توزیع پول به یک هزار و ۴۰۰ تن در بادغیس آغاز شد

حمل، به کمک مالی دفتر هماهنگی کمک‌های انسانی (CHA) آغاز شده است. به گفته آنان در این برنامه، برای یک هزار و ۴۰۰ تن زمینه کار فراهم شده بود و پروسه توزیع پول نیز آغاز یافته است. این برنامه در شهر قلعه‌نو، مرکز ولایت بادغیس، راه‌اندازی شده و به گفته طالبان، در تمام ولایت اجرا می‌شود. مقام‌های محلی طالبان در ریاست زراعت بادغیس می‌افزایند که این کارگران قرار است در بخش پاک‌کاری جوی‌ها و سربندهای آب کار کنند و مبلغ هشت هزار و ۵۵۰ افغانی به آنان توزیع می‌شود. گفتنی است که دفتر کمک‌های هماهنگی انسانی پیش از این نیز در بخش‌های مختلف ولایت بادغیس پروژه‌هایی را اجرا کرده است.



۸صبح، بادغیس: مسوولان محلی طالبان در ولایت بادغیس می‌گویند که به کمک مالی موسسه CHA، در این ولایت برای یک هزار و ۴۰۰ تن زمینه کار فراهم شده است. مسوولان طالبان در ریاست زراعت، آبیاری و مالداری ولایت بادغیس می‌گویند که «برنامه پول در مقابل کار» در این ولایت از روز یک‌شنبه، ۲۷

دوزن در غور به قتل رسیدند



۸صبح، غور: منابع محلی از ولایت غور می‌گویند که دو زن در این ولایت، در رویدادهای جداگانه به قتل رسیده‌اند. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که در رویداد اولی یک زن روز یک‌شنبه، ۳ ثور، توسط شوهرش به قتل رسیده است. این رویداد در منطقه سنگان ولسوالی پساپند رخ داده است. علت این قتل خشونت‌های خانوادگی عنوان شده است.

در رویداد دومی، حوالی عصر دوشنبه، ۴ ثور، یک خانم به‌گونه مرموز در مربوطات شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، با ضرب گلوله به قتل رسیده است. طالبان هر دو رویداد را تأیید کرده‌اند. این در حالی است که در ماه حوت نیز یک مرد در ولسوالی چهارسده این ولایت، همسر باردارش را تیرباران کرده بود. برپایه گزارش‌ها، در ماه گذشته نیز دو زن جوان در این ولایت به قتل رسیدند.

متقی: ۱۲۰ شهروند افغانستان در سودان گیر مانده‌اند

۸صبح، کابل: امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان، گفته است که ۱۲۰ تن از شهروندان افغانستان در درگیری‌ها میان ارتش سودان و شبه‌نظامیان گیر مانده‌اند. سرپرست وزارت امور خارجه طالبان این مطلب را روز یک‌شنبه، ۳ ثور، در سخنرانی در یک گردهمایی در ولایت خوست بیان کرده است. متقی گفته است: «امروز مشغول این کار بودم که از افغان‌های گیرمانده در سودان حفاظت شود.»

این مقام طالبان اما در مورد تلاش‌های این گروه برای حفاظت از شهروندان گیرمانده افغانستان در سودان جزئیات بیشتری ارائه نکرده است. در حال حاضر کشورهای مختلف جهان مصروف تخلیه شهروندان‌شان از سودان درگیر جنگ هستند. گفته می‌شود که تا کنون امریکا و بریتانیا توانسته‌اند دیپلماتان و شهروندان‌شان را از سودان تخلیه کنند. برینید گزارش‌ها، در بیش از یک هفته درگیری میان ارتش سودان و شبه‌نظامیان واکنش سریع، ۲۵۰ غیرنظامی کشته شده‌اند.



عبداللهیان: برای حصول حقابه ایران از رود هیرمند همه گزینه‌ها روی میز است

۸صبح، کابل: رسانه‌های دولتی ایران به نقل از حسین امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه این کشور، گزارش داده‌اند که برای حصول حقابه ایران از رود هیرمند همه گزینه‌ها روی میز است.

ایرنا یک‌شنبه‌شب، ۳ ثور، گزارش داده که آقای عبداللهیان این مطلب را در پاسخ به سوال خبرنگار این خبرگزاری ابراز نموده و تأکید کرده که در گفت‌وگوهای اخیر وزیر امور خارجه ایران و سرپرست وزارت خارجه طالبان در حاشیه نشست وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان در اوزبیکستان نیز موضوع حقابه ایران پی‌گیری شده است.

عبداللهیان گفته است: «طی یک‌ونیم سال گذشته به دستور اکید رییس جمهور، در گفت‌وگوهای صریح خود با سرپرست وزارت خارجه هیات حاکمه موقت افغانستان، همچنین در پی‌گیری مستمر آقای کاظمی قمی، نماینده ویژه رییس جمهور در امور افغانستان، و آقای محرابیان، وزیر نیرو، موضوع حقابه ایران از هیرمند را به‌طور جدی دنبال کرده‌ایم.»

وزیر امور خارجه ایران افزوده است که طالبان در گفت‌وگوها با آنان «برخلاف مقام‌های حکومت پیشین افغانستان» بر حقابه ایران اعتراف و تأکید کرده‌اند.

این دیپلمات ارشد ایران می‌گوید که کشورش به تلاش‌های دیپلماتیک برای تحقق حقابه ایران از رود هیرمند ادامه می‌دهد.

تأمین حقابه ایران از رود هیرمند از موضوعات بحث‌برانگیز در سیاست خارجی افغانستان در بیش از دو دهه اخیر بوده است.



در یک ماه گذشته ۱۶ تن خودکشی کرده‌اند

امین کاوه



مشکلات اقتصادی، افزایش روز افزون فقر و گرسنگی، تداوم بحران بشری، نبود سرمایه‌گذاری در داخل کشور و محرومیت شهروندان از رفاه عواملی شمرده می‌شوند که شهروندان را نسبت به آینده بهتر ناامید می‌سازد و افراد و ادار می‌شوند تا دست به خودکشی بزنند. در جریان یک ماه گذشته بیشتر افرادی که خودکشی کرده‌اند، عضو خانواده‌هایی بوده‌اند که در نتیجه بیکاری و فقر، در تنگ‌دستی محض به سر می‌پرند؛ اما خانواده‌های آنان به دلیل «غیرت و ننگ» در بیشتر موارد، جزئیات مرگ آنان را طبیعی اعلام کرده‌اند.

خودکشی میان نوجوانان

بر اساس وقایع ثبت شده در روزنامه ۸ صبح، در ماه حمل سال روان خورشیدی پنج دانش‌آموز نوجوان خودکشی کرده‌اند. دلایل خودکشی این کودکان به گونه مشخص بازتاب نیافته، اما بر اساس روایت منابع محلی، اختلال‌های روانی، مشکلات خانواده‌گی و مشکلات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل این رویدادها توصیف شده است.

بربنیاد اطلاعات موجود، یک دانش‌آموز ۱۲ ساله در روستای سرآسیاگک ولسوالی لعل‌وسرچنگل ولایت غور خودش را حلق‌آویز کرده است. مقام‌های محلی طالبان روز پنج‌شنبه، ۳۱ حمل، با نشر خبرنامه‌ای دلیل خودکشی او را مشکلات روانی خواندند. اما پیش از این، شماری از جوانان و نوجوان در غور به دلیل فقر و گرسنگی خودکشی کرده‌اند.

آمارهای ثبت شده در ماه نخست سال جاری نشان می‌دهد که خودکشی در میان پسران نوجوان در کشور افزایش یافته است. منابع محلی به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که یک جوان به نام جاوید روز پنج‌شنبه، ۳۱ حمل، در روستای «دهرآباد» ولسوالی دولت‌آباد ولایت بلخ خودکشی کرده است. دلیل خودکشی او مشخص نشده، اما گفته می‌شود که با شلیک گلوله به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

در همین حال، روز چهارشنبه، ۳۰ حمل، یک کودک در روستای گنجی ولسوالی هسکه‌مینه ولایت ننگرهار خودکشی کرده است. منابع محلی نام این کودک را عبدالله خوانده و گفته‌اند که او ۱۴ سال سن داشته و دانش‌آموز صنف هشتم مکتب بوده است. دلیل خودکشی او تا هنوز روشن نشده است. پیش از این مشکلات خانواده‌گی ناشی از فقر، دلیل خودکشی برخی از نوجوانان در کشور خوانده شده است.

بر اساس وقایع ثبت شده یک پسر نوجوان دیگر که دانش‌آموز صنف ۱۲ مکتب بود، خودش را حلقه‌آویز

کرده است. منابع محلی نام این دانش‌آموز را زکریا گفته‌اند. به گفته آنان، او روز یک‌شنبه، ۲۷ حمل، در روستای خوال، از مربوطات مرکز بامیان، خودکشی کرده است؛ اما دلیل خودکشی او مشخص نشده است.

خودکشی جوانان

در جریان ماه حمل سال جاری پنج جوان خودکشی کرده‌اند. اکثریت کسانی که خودکشی کرده، تجربه مشکلات اقتصادی داشته‌اند. این مشکلات باعث افزایش خشونت‌های خانواده‌گی و روانی بوده است. منابع محلی روز یک‌شنبه، ۲۷ حمل، از ولایت غور به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که یک جوان ۲۵ ساله به نام عظیم در ولسوالی تیوره این ولایت خودکشی کرده است. وابسته‌گان عظیم دلیل خودکشی او را بیان نکرده‌اند، اما سال گذشته چندین تن به دلیل فقر و تنگ‌دستی در این ولایت دست به خودکشی زدند.

بربنیاد وقایع ثبت شده در روزنامه ۸ صبح، روز شنبه، ۲۶ حمل، یک جوان دیگر به نام احمدخالد در شهرنو فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، به زنده‌گی‌اش پایان داده است. به گفته منابع، خالد ۲۵ سال سن داشته و پس از یک تنش لفظی با اعضای خانواده، خودش را با تباب در اتاقش حلق‌آویز کرده است.

ولایت بامیان در جریان یک ماه گذشته دومین خودکشی را به نام خود ثبت کرده است. یک جوان ۲۲ ساله به نام لایق پس از چاشت چهارشنبه، ۲۳ حمل، در روستای سیاه‌خاک، از مربوطات دره فولادی واقع در مرکز بامیان، خودش را حلق‌آویز کرده است. انگیزه خودکشی او مشخص نشده است؛ اما پیش از این مشکلات اقتصادی دلیل عمده خودکشی در این ولایت عنوان شده است.

روزشمار وقایع روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که یک مرد ۳۵ ساله به دلیل مشکلات اقتصادی، در روستای چهارباغ کمانگر ولسوالی قرغان ولایت فاریاب خودکشی کرده است. منابع محلی از این فرد سیداحمد نام برده‌اند. او جمعه‌شب، ۱۸ حمل، خودش را حلق‌آویز کرده است. بر اساس وقایع ثبت شده در روزنامه ۸ صبح، یک مرد دوشنبه‌شب، ۱۴ حمل، در منطقه برانقری ولسوالی سنگ‌آتش ولایت بادغیس با شلیک گلوله به زنده‌گی‌اش پایان داده است. این مرد محمدعارف نام داشته است. علت و انگیزه این خودکشی تاکنون مشخص نشده است. آمارهای سال گذشته نشان می‌دهد که بیشتر کسانی که در یک سال در این ولایت خودکشی کرده بودند، افزایش فقر و بیکاری از عوامل عمده خودکشی در بادغیس عنوان شده است.

خودکشی زنان و دختران

بر اساس وقایع ثبت شده در جریان ماه حمل سال جاری، چهار زن و دختر در کشور خودکشی کرده‌اند. فشارهای روانی ناشی از ممنوعیت طالبان، تجاوزهای جنسی این گروه و ازدواج‌های اجباری و زیر سن از عوامل عمده خودکشی زنان و دختران در جریان یک ماه گذشته خوانده شده است.

همچنان یک دختر جوان در ساحه بگرامی، از مربوطات ناحیه هفتم شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، خودش را به دریا انداخته است. جسد این دختر در نزدیکی پل بهسود از دریا بیرون کشیده شده است. منابع محلی خشونت‌های خانواده‌گی را دلیل خودکشی او بیان کرده‌اند.

به ادامه خودکشی زنان، یک دختر جوان در ولایت بدخشان پس از تجاوز جنسی یک مقام طالبان بر وی، با خوردن زهر به زنده‌گی‌اش پایان داده است. منابع محلی روز دوشنبه، ۱۴ حمل، به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که مولوی مزمل، مسوول کلینیک صحتی در ولسوالی وردوج و خسربره مولوی امان‌الدین، والی این گروه برای بدخشان، بالای یک کارمند صحتی زیر دستش تجاوز

جنسی کرده است. این دختر جوان پس از به هوش آمدن، متوجه شده که بر او تجاوز شده و سرانجام با خوردن زهر به زنده‌گی‌اش پایان داده است. منابع محلی نام قربانی تجاوز جنسی طالبان را شکرپه گفته‌اند. همچنان در رویدادی جداگانه در بدخشان یک زن با شلیک گلوله به زنده‌اش پایان داده است. بر اساس وقایع ثبت شده، این زن در روستای «رندیخوا روینج» ولسوالی راغستان، عصر چهارشنبه، ۳۰ حمل، به زنده‌گی‌اش پایان داده است. بر اساس روایت منابع محلی، این زن ۲۵ سال سن داشته است. او با شلیک گلوله به قلبش، ابتدا زخمی شده و در مسیر انتقال به شفاخانه ولسوالی یاون، در ساحه «بند سری» این ولسوالی جان باخته است. علت خودکشی او هنوز مشخص نشده است.

ازدواج‌های اجباری، عامل دیگری است که هرازگاهی از دختران در افغانستان قربانی می‌گیرد. یک دختر ۱۵ ساله که بدون رضایت از سوی خانواده‌اش با مردی نامزد شده بود، خودکشی کرده است. بر اساس گفته‌های منابع محلی، این رویداد در روستای «ده‌قوریق» ولسوالی کوهستانات ولایت سرپل رخ داده است. به گفته منابع، پدر این دختر او را در بدل ۷۰۰ هزار افغانی نامزد کرده بوده است.

افزون بر این، مشکلات روانی نیز از دختران در کشور قربانی گرفته است. فاطمه، دختر ۱۴ ساله بوده که در آغازین روزهای سال جاری خودکشی کرده است. بر اساس وقایع ثبت شده در روزنامه ۸ صبح، فاطمه دانش‌آموز صنف هفتم مکتب بوده است. دلیل خودکشی او مشکلات روانی خوانده شده است. گفته می‌شود که او همواره با مادرش پرخاصگری می‌کرده است.

خودکشی نظامیان پیشین

بر اساس اظهارات منابع آگاه، نظامیان پیشین که در بازداشت طالبان به سر می‌برند، به شدت از سوی طالبان شکنجه می‌شوند. یک نظامی پیشین پس از رهایی از زندان طالبان در ولایت خوست، خودکشی کرده است. این نیروی امنیتی پیشین محمدانور نام داشته است. او روز یک‌شنبه، ۲۰ حمل، در ساحه متون از مربوطات مرکز ولایت خوست با خوردن زهر به زنده‌گی‌اش پایان داده است. منابع محلی به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که محمدانور کارمند ریاست امنیت ملی در حکومت پیشین بوده که از سوی طالبان بازداشت و به شدت شکنجه شده بود. انگیزه خودکشی او بیان نشده، اما منابع محلی مشکلات روحی پس از شکنجه را دلیل عمده خودکشی این نظامی پیشین خوانده‌اند. پیش از این برخی از نیروهای امنیتی پیشین به دلیل فقر و بیکاری نیز خودکشی کرده‌اند. شاکر ۳۸ ساله، عضو نیروهای پولیس حکومت پیشین، سال گذشته در ولایت کتر به دلیل فقر خودکشی کرد.

در تازه‌ترین مورد، یک کودک ۱۳ ساله در ولسوالی ژبری ولایت قندهار خودکشی کرده است. منابع محلی نام این کودک را ادریس گفته‌اند. به گفته آنان، ادریس در منطقه «سنزری» ولسوالی ژبری پس از آن که از سوی پدرش اجازه رفتن به میله عید را نیافته، خودکشی کرده است.

این در حالی است که بر اساس گزارش روزنامه ۸ صبح در سال گذشته ۷۹ تن در کشور خودکشی کرده‌اند. این آمار در مقایسه با ماه‌های نخست سال گذشته، افزایش بی‌پیشینه را نشان می‌دهد. از زمان برگشت طالبان به قدرت، زنان از حق آموزش، تحصیل و کار محروم شده‌اند. ممنوعیت و محدودیت شغلی بر نیروهای امنیتی گسترش یافته است. سرمایه‌گذاران کشور را ترک کرده و سرمایه‌های‌شان را بیرون کشیده‌اند و نیز زمینه سرمایه‌گذاری به دلیل تحریم‌ها و مشکلات امنیتی در افغانستان محدود شده است. به‌تازگی سازمان ملل متحد گفته است که ۲۸ میلیون تن در کشور به کمک‌های فوری نیاز دارند و حدود شش میلیون تن در یک‌قدمی قحطی قرار دارند. این سازمان گفته که افغانستان با بزرگ‌ترین خطر قحطی در ۲۵ سال اخیر مواجه است.

پیش از این سازمان ملل متحد در گزارش جهانی شادمانی «مردم افغانستان» را غمگین‌ترین و ناراضی‌ترین جمعیت جهان شناخته است. میزان شادمانی و رضایت کشورها بربنیاد شش شاخص عمده از جمله حمایت اجتماعی، درآمد سرانه، سلامت، آزادی، سخاوت و نبود فساد اداری سنجیده می‌شود. مردم افغانستان در جریان دست‌کم دو سال گذشته با انواع بحران‌ها از جمله بحران ناامنی و فقر روزافزون دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سیاست مهم ترین عمل اجتماعی (۳)

طالبان از لحاظ تشکیلاتی و روابط نهادی-اجتماعی در شرایط کنونی افغانستان نسبت به همه حریفان خود قدرت مندتر به نظر می‌رسند. این توانایی حاصل وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان است که در میانه راه شهری و صنعتی شدن به چنگ گرگان ضد ترقی افتاده است و آن‌عده نیروهای ضدطالب که به شیوه‌های مدنی و با تقلید از کشورهای صاحب شهر، فابریکه و صنایع می‌کوشند سیاست کنند، در برابر طالبان و دیگر نیروهای ضدترقی ضعیف ظاهر می‌شوند؛ چرا که شهر، صنعت و نهادهای مدنی در کشور هنوز به قدر کافی قدرت مند نشده‌اند.



یونس نگاه

جلوگیری از تشکیل هر گونه نیروی بدیل، به خصوص نهادهای غیرمدرسه‌ای (مکتب، دانشگاه‌ها، کارگاه‌ها و فابریکه‌ها) به کار می‌بندند. خلاصه ابزار سنتی سازمانی پرشاخ‌وریشه‌ای فعلا در افغانستان و منطقه در اختیار نیروهای ضد ترقی قرار دارد. نیروهای ضد طالب به‌آسانی نمی‌توانند با نیروها و نهادهای غیردولتی منطقه ارتباط برقرار کنند و از آن طریق برای کار و مبارزه هم‌پیمان و پناهگاه بجویند و عاقبت دولت‌های منطقه را نیز وادار به همراهی کنند. این یکی از ضعف‌های جدی غیرطالبان است که در بخش‌های بعدی از آن خواهیم گفت.

در برخورد با غیرطالبان و هنگام تخریب، طالبان شیوه‌ها و ابزار مدرن به کار می‌برند. هسته‌های کوچک چندنفری که روش قدیمی مبارزه است و حداقل از دوران مشروطیت اول در افغانستان رایج بوده و بعدها نیروهای چپ و گروه‌های اخوانی آن را در عرصه سیاست کشور بیشتر ترویج کردند، عاقبت به طالبان رسیده است. طالبان در جنگ‌های شهری از هسته‌های کوچک و شبکه‌های موازی و تاکتیک‌های دیگر «مبارزه» مخفی و جنگ چریکی استفاده می‌کردند.

طالبان در تقویت این بخش کار به احتمال زیاد از چهار منبع تغذیه کرده‌اند. منبع اول بازمانده‌گان گروه‌های جهادی بوده‌اند که با روش کار حزبی در تنظیم‌های اخوانی آشنا بودند و پسان‌ها به طالبان پیوستند، به خصوص بقایای حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی یونس خالص. این اشخاص تجارب «مبارزات» مخفی اخوانی‌ها در دوران جمهوری داوودخان و خلقی‌ها را به طالبان انتقال دادند. منبع دوم، کسانی را شامل می‌گردد که گفته می‌شود دارای سوابق چپی بوده و با کار چریکی و تشکیلاتی نیروهای چپ آشنایی تیوریک و عملی داشته‌اند. آنان به‌خصوص در دور اول حاکمیت طالبان به دلیل مخالفت با تنظیم‌های جهادی، گرایش‌های قومی و محلی و نیز ساده‌لوحی سیاسی و امید بستن به طالبان به‌عنوان نیروی انتقالی برای ایجاد نظم در کشور، به آن گروه پیوستند و تجارب خود را انتقال دادند. منبع سوم، استخبارات و اردوی پاکستان است که اسناد و شواهد بسیاری در کتاب‌ها و مقالات خود پاکستانی‌ها، نویسنده‌گان افغان و خارجی از همکاری سازمانی و مساعدت‌های فنی آن‌ها با طالبان در دست است. در محافل سیاسی و دیپلماتیک «کریدیت» حملات شهری که در دوران جمهوریت از آدرس شبکه حقانی اجرا می‌شد، به استخبارات پاکستان داده می‌شود.

گفته می‌شود سیستم جمع‌آوری معلومات، تعیین هدف، جابه‌جایی نیرو، استخدام نفوذی‌ها، اجرای عملیات و تبلیغات همراه آن زیر نظارت و رهبری کادرهای پاکستانی انجام می‌شده است. منبع چهارمی، شبکه‌های تروریستی عرب، به‌خصوص القاعده است که در سازمان‌دهی، جلب و جذب، تبلیغات و اجرای حملات پیچیده شهری شهرت دارند. مهارت‌های فنی چون بم‌گذاری و بم‌سازی نیز به احتمال زیاد از میراث‌های همکاری شبکه‌های تروریستی خارجی است. در رهبری القاعده و زیرمجموعه‌های تندروش خلاف طالبان، افراد تحصیل‌کرده در دانشگاه‌ها و صاحب اطلاعات تخصصی قرار دارند که به دلیل تسلطشان به زبان‌های خارجی، با روش‌های جنگی و سیاسی مدرن نیز آشناترند. البته گروه طالبان نیز در ۲۰ سال گذشته به تاسی از هم‌تایان عرب و اخوانی از میان تحصیل‌کرده‌گان شهری نیروی بسیار جذب کرد. اصطلاح طالبان نکتایی‌دار، اگرچه به فرصت‌طلبان داخل دولت جمهوری اسلامی متمایل به طالبان اطلاق می‌شد، ولی به گروهی از افراد تحصیل‌کرده که عملاً در استخدام طالبان بودند نیز اشاره داشت. گرایش‌های تندروانه در دانشگاه‌های افغانستان و پاکستان به سود طالبان تمام شده بود و آنان از میان محصلان، استادان دانشگاه و کارمندان دولتی افراد زیادی را استخدام کرده بودند.

این امتیازات سازمانی و شبکه‌ای طالبان محصول عقب‌مانده‌گی کشور است و امید می‌رود در آینده نه‌چندان دور، هر کدام به چشم اسفندیار و پاشنه آشیل آن گروه عقب‌گرا بدل شود. در بخش بعدی، از این‌که چرا طالبان بقا نخواهند داشت، خواهیم گفت.

منازعات و دعوای نقش سارنوال، قاضی، وکیل و پولیس را همزمان بازی می‌کنند. مثل خان‌ها و اربابان مالیات و عواید جمع‌آوری می‌کنند و در مسایل خصوصی و روابط فردی مردم امر و نهی می‌کنند. آنان در عین حال، نظم قرون‌وسطایی را در آن مناطق اعمال کرده و از آن طریق اعتماد نسبی ساکنان را در جلوگیری از بی‌بندوباری که در نبود خان/ارباب و دولت به وجود می‌آید، به دست می‌آورند. این دادوگرفت تحمیلی در خلای خدمات دولتی، باعث تماس دوام‌دار بین طالبان و مردم محل می‌شود، بی‌آن‌که اراده و سود مردم در آن نقشی داشته باشد، همان‌طوری که در رابطه بین خان و دهقان خواست مردم تعیین‌کننده نیست.

طالبان مساجد، مدارس و تریبون‌های مذهبی را نیز انحصار کرده‌اند. این نهادهای بازمانده دوران پیش از شکل‌گیری دولت‌های مدرن، مناسبات شهری و اقتصاد مبتنی بر صنعت و خدمات‌اند. گروه طالبان که مبلغان و رهبران‌شان در آن مراکز تربیت می‌بینند، بسیار به‌آسانی می‌توانند در رقابت بر سر تسخیر آن تریبون‌ها و نهادهای بر غیرطالبان فایق آیند. بیشتر مدارس و مساجد تحت نفوذ طالبان روابط شبکه‌ای دارند و فرصت عمل سازمانی را برای گرداننده‌گان مهیا می‌سازند. برخی از این شبکه‌ها خود نقش نهاد مستقل را بازی می‌کنند و از یک قریه افغانستان تا چندین شهر و از آن‌جا تا کشورهای همسایه و منطقه روابط مالی، مذهبی و سازمانی دارند. این ویژه‌گی شبکه‌ای نهادهای انحصار شده توسط طالبان و نیروهای ضدترقی، به آن‌ها ظرفیت فوق‌العاده بقا می‌دهد و در عین حال زمینه عمل جمعی را برای‌شان فراهم می‌سازد. جنگ‌جویان و قوماندانان طالب از آن شبکه‌های تنیده در سراسر اجتماع ما، برای اختفا و پوشش کار سیاسی و تروریستی نیز بسیار بهره می‌گیرند. حمایت استخبارات و اردوی پاکستان و کمک‌های جهانی در جریان جهاد، این شبکه‌ها را بسیار قدرت‌مند ساخت. مدارس ضد تعلیم و تحصیل عصری و مخالف حکومت‌های برخاسته از رای مردم و حکومت‌داری استوار بر عرضه خدمات مدرن، در دو سوی خط دوبروند بسیار بیشتر از دانشگاه‌ها و فابریکه‌ها توسعه یافتند، در حالی که خود آن شبکه‌های ارتجاعی هیچ تولیدی ندارند، ارزشی در جامعه نمی‌افزایند و حتا معاش ملاها و نان‌شاگردان‌شان را نیز از جیب مردم بی‌فابریکه و بی‌دانشگاهی می‌گیرند که بیشترشان در کشورهای بیگانه مشغول رزمزمدی و کار شاقه‌اند. این‌گونه، گرسنه‌گی و وابسته‌گی در کل جامعه و مفت‌خواری و سودجویی میان اقلیتی از قوماندانان‌ها، مولوی‌ها و رهبران ضد آزادی و کار و ترقی مدارس و گروه‌های تندرو برخاسته از آن‌ها، هر روز بیشتر شده و چرخه طالبانی تقویت یافته است.

به موازات تخریب شاهراه‌هایی که وطن ما را به بازار و کشور زنده و مولد باید بدل سازد، طالبان و متحدان‌شان شبکه‌های تخریبی را در سراسر کشور خلق کرده‌اند، از منابع گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پول و امکانات به دست می‌آورند و آن امکانات را در

حرکتی نمی‌شد که بیشتر خاک افغانستان را تسخیر کند و اداره قرون وسطایی را معرفی نماید که کشور را از تمام نشانه‌های جهان مدرن بزدايد. وجود ظرفیت داخلی برای شکل‌گیری جریان ارتجاعی و شورشگری، کار پروژه‌سازان خارجی را آسان ساخته است. آنان موج‌های ارتجاعی را نیرو می‌بخشند و برای رسیدن به اهداف، مدتی موج‌سواری می‌کنند؛ اما ظرفیت خلق موج‌ها در درون جامعه موجود است. طالبان خود هم عامل‌اند و هم ابزار دست و بازپچه بازیگران خارجی. این‌جا بیشتر به عاملیت طالبان می‌پردازیم و به ریشه‌ها و ظرفیت‌های مالی، اقتصادی و سازمانی آن گروه اشاره می‌کنیم. جریان تروریستی و سیاسی که چندین دهه در عرصه سیاست و جنگ حضور داشته باشد و میراث‌دار چندین جریان عقب‌گرا در تاریخ کشور باشد، فاقد ظرفیت‌های سازمانی و نهادی نیست.

طالبان از لحاظ تشکیلاتی و روابط نهادی-اجتماعی در شرایط کنونی افغانستان نسبت به همه حریفان خود قدرت‌مندتر به نظر می‌رسند. این توانایی حاصل وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان است که در میانه‌راه شهری و صنعتی شدن به چنگ گرگان ضد ترقی افتاده است و آن‌عده نیروهای ضدطالب که به شیوه‌های مدنی و با تقلید از کشورهای صاحب شهر، فابریکه و صنایع می‌کوشند سیاست کنند، در برابر طالبان و دیگر نیروهای ضدترقی ضعیف ظاهر می‌شوند؛ چرا که شهر، صنعت و نهادهای مدنی در کشور هنوز به قدر کافی قدرت‌مند نشده‌اند. افغانستان صاحب جاده و خط آهن نیست تا طبقات اجتماعی و منابع اقتصادی مدرن در آن شکل گیرد و پشتوانه نیروهای ضد ارتجاعی گردد. صنایع و فابریکه‌های بزرگ نداریم تا در آن‌ها میلیون‌ها انسان صاحب منافع مشترک، مشغول باشند و در معاملات اقتصادی و سیاسی وزن شوند. اکثریت نفوس کشور به دلیل عقب‌مانده‌گی اقتصادی و اجتماعی از پوستین هویت‌های روستایی و قبیله‌ای بیرون نشده‌اند و اکثریت افراد صاحب کار و عواید مستقل نیستند و در چارچوب خانواده و خانوار و قبیله تدابیر معیشت و بقا می‌جویند. در چنین محیطی، کار نیروهای ترقی‌خواهی که نتوانند با نهادهای سنتی جامعه تماس زنده برقرار کنند و متحدان منطقه‌ای و جهانی داشته باشند، سخت می‌شود و به‌آسانی نمی‌توانند بدون حمایت دستگاه دولتی در مقام اپوزیسیون موثر عمل کنند.

طالبان از نظر سازمانی همزمان روش‌های سنتی و ملوک‌الطوایفی و شیوه‌های کار گروه‌های چریکی و تشکیلات حزبی را تا حدودی به کار می‌بندند. آنان در تماس با توده‌های مردم رویکرد ملوک‌الطوایفی و سنتی دارند. ارباب‌ها، خان‌ها و متنفذان محلی را حذف کرده، راس سلسله‌مراتب اجتماعی روستاها را انحصار نموده و جای خالی رهبری‌کننده خان، ملک و ارباب را در مناطق تحت نفوذشان پر می‌کنند. قوماندانان طالب لباس خان و ملک را پوشیده، مثل آنان دستار به سر می‌بندند و شلاق به دست دارند، به جای ناظران خشن خان‌ها جنگ‌جویان مسلح دارند و در حل‌وفصل

گروه طالبان اگرچه اکنون در جایگاه دولت نشسته، ولی عمل‌کردش هنوز چون گروهی شورشگر است و به احتمال زیاد در آینده نه‌چندان دور دوباره از مقام اداره کشور رانده شده و به جایگاه شورشگری برخواهد گشت. آرزوی اکثریت مردم افغانستان این است که راهی برای تعامل با طالبان پیدا شود و سلسله شورشگری پایان یابد، اما این کار آسان نیست؛ چرا که طالبان به زنجیرهای روابط و منافع متفاوتی بسته‌اند و تا زمانی که ریشه‌های مالی، سیاسی و فرهنگی این جریان ارتجاعی نخشکد، همان‌طوری که طی بیش از ۱۰۰ سال گذشته با عناوین متفاوت اما عمل‌کرد مشابه، بارها مانع شکل‌گیری ثبات و ترقی در کشور شده، پس از این نیز زمینه‌شورش را فراهم خواهد کرد. بخشی از ریشه‌های مالی و اقتصادی طالبان در قسمت دوم یاد شد و به سهم آن گروه در اقتصاد سیاه اشاره کردیم. غیر از اقتصاد سیاه، طالبان چند منبع مالی دیگر نیز دارند. آن‌ها هنگام شورشگری از اعانه، مالیات مذهبی (عشر و زکات) و کمک‌های کارگران و تاجران برای رفع بخشی از نیازهای مالی‌شان سود می‌بردند و اکنون نیز با همان روش از مردم مالیات رسمی و مذهبی، اعانه و باج دریافت می‌کنند. در جمع‌آوری آن پول‌ها، هراس مذهبی و تهدید امنیتی نقش دارد. طالبان با اتکا بر مذهب، افراد کم‌درآمد، کم‌سواد و کارگران مومن را قانع و یا وادار می‌کنند که بخشی از عواید خود را به آنان بپردازند. آن مبالغ از سوی فعالان محلی طالبان جمع‌آوری و مصرف می‌شود و در مواردی به سیستم مالی مرکزی گروه انتقال یافته و از آن‌جا بازتوزیع می‌گردد. طالبان با اتکا بر هراس مذهبی و سوءاستفاده از کم‌سوادی و ناآگاهی مردم، مالیات‌های غیرمستقیم و باج‌های دیگری نیز دریافت می‌کنند، از جمله خوردن غذای رایگان و بدون دعوت از دست‌خوآن مردم، گرفتن البسه و خوراکی بدون پرداخت یا با پرداخت قسمتی از قیمت از دکان‌ها و تاجران، گرفتن سهم از محموله‌های غذایی و کالاهای تجاری در مسیرها. رهبران طالب گاهی از «جهاد رایگان» و بدون معاش جنگ‌جویان بافتخار یاد می‌کنند، اما آن جنگ‌جویان با پول و منابع شخصی نمی‌جنگند، بلکه با اتکا بر باج مذهبی، اعانه، زورگیری و مهمانی‌های ناخواسته در دست‌خوآن مردم زنده‌گی می‌کنند و قوماندانان محلی گروه به شیوه ملوک‌الطوایفی در گردآوری پول از استقلال قابل توجه محلی برخوردارند و از آن طریق مصارف شخصی و بخشی از هزینه‌های جنگی خود را فراهم می‌سازند. قسمت قابل توجه عواید طالبان با تهدید به دست می‌آید. آنان از معاش کارمندان، عواید اهل کسبه و دهقانان، مزد کارگران و درآمد تاجران درصدی دریافت می‌کنند. گاهی این تهدید آشکار نیست و باج‌دهنده‌گان با درک خطر سرپیچی، با «رضایت» خود و تنها با دریافت یک پرزه و یادآوری، به قوماندانان طالب سهم می‌پردازند. کارگران و کسبه‌کارانی که خارج از کشور به سر می‌برند، نیز تعدادی به دلیل روابط شخصی و احتمالاً هم‌سویی فکری، اما بیشترشان برای مصونیت خانواده و اقارب‌شان به طالبان پول می‌پردازند. این مبالغ به‌خصوص برای کسانی که در خلیج فارس و اروپا مشغول کارند، شاید کوچک به نظر برسد، ولی از آن جایی که تعداد افراد اعانه‌دهنده و باج‌دهنده به ده‌ها هزار تن و شاید در مواردی صدها هزار تن می‌رسد، حاصل جمع کل آن مبالغ، رقم بزرگی می‌شود که در گردش ماشین جنگی و تروریستی پر قدرت نقش مهم ادا می‌کند. طوری که در بخش قبلی گفتیم، طالبان محصول درمانده‌گی جامعه در برابر بیماری‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از مدیریت نادرست تحول است، در خلای اداره سالم و خدمات رضایت‌بخش نطفه می‌بندد و در باتلاق نارضایتی جامعه از بن‌بست، رشد می‌یابد.

از این رو، تنها توجه به نقش استخبارات خارجی، پول‌های کمکی ابرقدرت‌ها و حمایت‌های منطقه‌ای در شکل‌گیری و ادامه حیات طالبان گمراه‌کننده است. در خزان سال ۱۹۹۴، وقتی اولین بار نام طالبان سر زبان‌ها افتاد، پول و مدیریت اردو و استخبارات پاکستان بدون شک نقش تعیین‌کننده در تبدیل آن گروه به نیروی نسبتاً منسجم و صاحب اداره داشت، اما آن پول و مدیریت در نبود پوتانسیل داخلی منجر به شکل‌گیری



با روی کار آمدن دوباره رژیم طالبان در کشور، سیستم حکومتداری نوین به حد کافی مختل شده است. در کنار آن نظام اقتصادی کشور نیز ورشکسته شده است.

بهنیا

همزمان با اعلام تصمیم جدید بانک مرکزی زیر کنترل طالبان مبنی بر افزایش سقف برداشت پول از حساب‌های بانکی، شماری از حسابداران می‌گویند که بانک‌های خصوصی این تصمیم طالبان را رعایت نمی‌کنند. بانک مرکزی به‌تازگی سقف برداشت پول از حساب‌های بانکی را از ۲۰ هزار به ۵۰ هزار افغانی در هفته افزایش داده است. این بانک همچنان شهروندان را به افتتاح حساب‌های جدید بانکی ترغیب کرده و خاطرنشان ساخته که بر برداشت پول از حساب‌های جدید هیچ نوع محدودیتی وجود نخواهد داشت. هرچند مقام‌های طالبان تلاش دارند اعتماد افراد و سرمایه‌داران را به نظام بانکی جلب کنند، اما شماری از حسابداران می‌گویند که انتظار طولانی در پشت دروازه بانک‌ها برای به دست پول خودشان، آنان را نسبت به سیستم بانکی در کشور بی‌باور ساخته است.

میرویس (نام مستعار) یکی از باشند شهر کابل و کارمند حکومت پیشین است. او در زمان جمهوری در یکی از بانک‌های خصوصی حساب باز کرده بود و مقداری از معاش هر ماه خود را در این حساب ذخیره می‌کرد. پس از سقوط نظام جمهوری، او جهت دریافت پول ماه‌ها شب و روز پشت دروازه بانک انتظار کشیده و تاکنون موفق به دریافت کامل پولش نشده است. میرویس در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «من روزها و شب‌ها به خاطر پولی که حق خودم است، مجبور بودم انتظار بکشم و در آخر هم مقدار پول ناچیز تحویل می‌دادند.» او در پیوند به تصمیم تازه بانک مرکزی زیر کنترل طالبان می‌افزاید: «از طرف طالبان وعده‌های گوناگون



و مثبت شنیده‌ایم، ولی هیچ‌گاه در عمل پیاده نکرده‌اند. خودم بالای این گفته‌های بانک مرکزی باور نمی‌کنم و دیگر به حساب خود پول پس‌انداز نمی‌کنم. به جای آن، ترجیح می‌دهم پول نزد خودم در خانه باشد.» میرویس اضافه می‌کند که هر زمانی بتواند همه پول را از حساب خود برداشت کند، حساب بانکی خود را می‌بندد.

زینب، دیگر باشند شهر کابل و کارمند یکی از سازمان‌های خارجی است. او که نیز تجربه تلخی از انتظار طولانی در پیش دروازه بانک دارد، می‌گوید: «روزهای اول سقوط ماه‌ها می‌رفتم صف بانک و هیچ نوبت نمی‌رسید و پس می‌آمدم خانه تا به زحمت یک روز نوبت رسید، ولی فقط توانستم ۱۰ هزار افغانی برداشت کنم. بعد از آن نیز پنج یا شش بار در فاصله‌های چند روز به مقدار ۱۰ یا ۱۵ هزار افغانی پول را بیرون کشیده توانستم.»

زینب که مانند دیگر حسابداران به سیستم بانکی کشور بی‌باور شده است، می‌افزاید: «به گفته بانک‌ها و این حکومت هیچ باور نیست. یک بار معاشم در بانک حواله شد. دفعات آن را کشیدم، چون می‌تسیدم که باز هم گپی شود و پیسه کشیدن مشکل شود.» این حسابدار علاوه می‌کند: «بعد از این اگر بانک بگوید همه چیز اطمینانی است و پول‌تان را در بانک ذخیره کنید و جایزه هم تعیین کند، باز هم این کار را نمی‌کنم.»

بانک مرکزی زیر کنترل طالبان در کنار بالا بردن سقف برداشت پول از حساب‌های موجود، مردم را به ایجاد حساب جدید بدون قیدوشرط در بانک‌ها دعوت کرده است. در اعلامیه بانک مرکزی که در ۱۶ حمل امسال همه‌گانی شد، آمده است: «د افغانستان بانک تمام محدودیت‌ها را برای حساب‌هایی که جدید در بانک‌های

وعده‌های غیرعملی بانک مرکزی؛

شهروندان نسبت به سیستم بانک‌بے باور شده‌اند

تجارتی افتتاح می‌شود، برداشته است و کسانی که حساب‌های جدید افتتاح می‌کنند، می‌توانند هر زمانی که بخواهند به اندازه نیاز خود از حساب خود پول دریافت کنند.»

بانک مرکزی زیر کنترل طالبان در حالی شهروندان را به افتتاح حساب‌های جدید بانکی تشویق می‌کند که فقر در دو سال گذشته به حد کافی گسترش یافته و در حال حاضر سه بر چهارم درصد شهروندان به کمک‌های جهانی نیازمند هستند. از سوی دیگر، پول کافی از کشور بیرون کشیده شده و سرمایه‌داران حاضر به سرمایه‌گذاری در داخل کشور نیستند. دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) در گزارش تازه‌اش در مورد وضعیت فقر در افغانستان گفته است که بیش از شش میلیون تن با فقر شدید روبرو هستند و تنها یک قدم با قحطی فاصله دارند. همچنان در دو سال گذشته حدود ۸۰ درصد شهروندان کشور با معضل کاهش درآمد مالی مواجه شده‌اند.

مریم، مشتری یکی از بانک‌ها است. او در یکی از مکتب‌های خصوصی شهر کابل به‌عنوان معلم کار می‌کند. شوهر مریم پس از سقوط نظام جمهوری بیکار شده است و مریم اکنون با مقدار معاش ناچیز معلمی مخارج خانه‌اش را تامین می‌کند. مریم می‌پرسد: «مردم با چه پولی حساب بانکی باز کنند؟ همه از فقر و بیکاری جان‌شان را در خطر انداخته و برای یک لقمه نان غیرقانونی وارد کشورهای دیگر می‌شوند، آن وقت پول از کجا شود که در بانک‌ها ذخیره کنیم؟» وی همچنان می‌افزاید: «با چهار هزار معاش معلمی که شاید دو روز بعد همین وظیفه نیز از من گرفته شود، شکم ما سیر نمی‌شود. چطور می‌توانم حساب بانکی باز کنم؟»

حدیثه، شهروند دیگر، در این رابطه می‌گوید: «مردم نان شب و روزشان را به‌سختی پیدا می‌کنند، آن وقت پول از کجا شد که حساب بانکی باز کنند؟» او که به سیستم بانکی در کشور بی‌اعتبار شده است، اضافه می‌کند: «اگر پول هم داشته باشم، در این شرایط پول خود را در بانک بند نمی‌کنم.»

با روی کار آمدن دوباره رژیم طالبان در کشور، سیستم حکومت‌داری نوین به حد کافی مختل شده است. در کنار آن نظام اقتصادی کشور نیز ورشکسته شده است. بسیاری از شهروندان در جریان ۲۰ سال گذشته از ذخیره پول به‌گونه سنتی دست‌بردار شده و به سیستم بانکی نوین روی آورده بودند. در آن مدت آنان جهت ذخیره پول و کسب درآمد، دارایی‌های‌شان را به بانک‌های خصوصی و دولتی می‌سپردند، اما همزمان با فروپاشی نظام جمهوری و ایجاد اغتشاش، شهروندان برای برداشت پول خود به بانک‌ها هجوم بردند، اما موفق نشدند پول خود را به دست بیاورند.

بیشتر مشتریان ماه‌ها در پشت دروازه بانک‌ها صف بستند تا به‌صورت قسطوار یک مقدار پول خود را دوباره تصاحب کردند. همزمان با هجوم بردن مردم به بانک‌ها برای خارج کردن پول، بانک‌ها با بحران بی‌پولی مواجه شدند و قادر به پرداخت پول به‌گونه کامل به دارندگان حساب نبودند. بنابراین، بانک‌ها روی برداشت پول از حساب‌های انفرادی و تجارتي محدودیت وضع کردند و پس از آن حسابداران تنها حق برداشت ۲۰ هزار افغانی در هفته را داشتند. اکنون اما با وجود این‌که بانک مرکزی زیر کنترل طالبان سقف برداشت پول از حساب‌های انفرادی را از ۲۰ هزار به ۵۰ هزار افغانی در هفته افزایش داده است، اما بانک‌های خصوصی این تصمیم بانک مرکزی را رعایت نمی‌کنند و استدلال می‌کنند که پول کافی در اختیار ندارند تا به مشتریان خود بپردازند.

این در حالی است که بانک مرکزی زیر کنترل طالبان در گزارش سالانه خود از افزایش عواید این بانک خبر داده و گفته است که «د افغانستان بانک» در یک سال گذشته بیش از هشت میلیارد عواید داشته که در مقایسه با سال‌های گذشته ۵۹٫۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد. درآمد این بانک طبق اظهارات مقام‌های طالبان در حالی افزایش یافته است که جیب‌های شهروندان هر روز خالی‌تر می‌شود و مردم نه‌تنها پولی برای افتتاح حساب در بانک‌ها ندارند، بلکه بسیاری از شهروندان پول نان شب خود را نیز ندارند.

تیم راه دانش؛

رضاکارانی که برای بانوان زمینه کار و آموزش را فراهم کرده‌اند

اسماعیل سادات

با آن‌که در نزدیک به دو سال گذشته محدودیت‌های فراوانی دامن‌گیر دختران و زنان شده، اما شماری از زنان راه‌های بدیلی را در پیش گرفته و از حمایت هم‌نوعان خود دریغ نوزیده‌اند. گروهی از این زنان زیر نام «تیم راه دانش» برای بانوان فعالیت می‌کند و تلاش دارد برای دختران و زنان محروم افغانستان زمینه آموزش و آموختن هنر خیاطی را فراهم کند. تیم راه دانش به ابتکار ۱۰ بانوی افغانستانی حدود دو سال پیش تاسیس شده و در کنار خدمات آموزشی و حرفه‌خیاطی، به دانش‌آموزان مکاتب دولتی قرطاسیه نیز توزیع می‌کند. آرزو سادات، یکی از اعضای این تیم، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در ابتدا درس‌های آنلاین را تنها برای دانش‌آموزان مکتب‌های متوسطه و لیسه دخترانه به راه انداختند، اما بعداً آموزش خیاطی نیز شامل برنامه آنان شده است. خانم سادات می‌افزاید که دختران به دلیل محروم شدن از آموزش در مکاتب، حق دارند آموزش کسب کنند تا پس از رفع محدودیت‌ها از مکتب و درس‌ها، دل‌سرد نشوند.

همچنان حسنا رووفی، عضو دیگر تیم راه دانش و

مسوول بخش کارگاه خیاطی که خودش نیز دانشجوی سال چهارم دانشکده ژورنالیسم است، می‌گوید که تیم آنان برای ۱۷۰ دانش‌آموز بالاتر از صنف ششم، زمینه درس‌های آنلاین را فراهم کرده است. بانو رووفی می‌افزاید که او و اعضای تیمش در کنار آموزش، برای ۳۵ دانش‌آموز دختر و زن بی‌سرپرست کارگاه آموزشی حرفه‌خیاطی را نیز به راه انداخته‌اند.

اعضای تیم راه دانش همچنان یک کتابخانه کوچک را با هزینه شخصی خود ایجاد کرده‌اند تا دختران و زنان بتوانند از این کتاب‌ها مستفید شوند. آنان همچنان در مکتب‌ها برای دانش‌آموزان پایین‌تر از صنف ششم کتابچه و قلم توزیع می‌کنند. حسنا رووفی علاوه می‌کند که تیم آنان در حال حاضر از سوی هیچ نهادی حمایت مالی نمی‌شود، اما در صورتی که مورد حمایت مالی قرار بگیرد، فعالیت‌های خود را برای زنان بی‌بضاعت و دانش‌آموزان دختر گسترش خواهند داد.

تیم راه دانش از هفده ماه به این سو در بخش‌های مختلف برای گروهی از دختران و زنان محروم از آموزش و کار برنامه‌های مختلفی را راه‌اندازی کرده است. اعضای این تیم می‌گویند که برای رشد اقتصاد شماری از دختران و زنانی که در بخش‌های حرفه با

این تیم کار می‌کنند، چندین نمایشگاه را در شهر کابل برگزار کرده‌اند. در این نمایشگاه‌ها به گفته آنان، لباس‌های دست‌دوخت، مهره‌بافی، بوجی‌بافی و دیگر تولیدات این دختران و زنان به نمایش گذاشته شده است. هرچند این گروه کوچک رضاکاران زیر نام «تیم راه دانش» از سوی هیچ نهادی حمایت مالی نمی‌شود، اما مجبور است برای فراهم ساختن زمینه آموزش و حرفه از افراد داوطلب پول گردآوری کند.

با این حال، شماری از دخترانی که در بخش آموزش و حرفه خیاطی زیر حمایت تیم راه دانش قرار دارند، از خدمات این تیم رضاکاران ابراز رضایت دارند. آمنه ۲۱ ساله که بنا بر محدودیت‌های وضع‌شده از سوی طالبان نتوانسته به تحصیلات عالی ادامه دهد، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که از حدود ۱۱ ماه به این سو در کارگاه آموزشی «تیم راه دانش» مشغول فراگیری آموزش حرفه خیاطی است. آمنه می‌افزاید: «در این مدت توانستم دوخت انواع لباس‌های پنجابی، ساری‌دامن و لباس‌های طفلانه را یاد بگیرم. با فراگیری حرفه خیاطی، توانستم که خود را از افسرده‌گی و ناامیدی که دچار حالم شده بود، نجات بدهم و بعد از این می‌توانم یک کارگاه خیاطی را در خانه خود ایجاد کنم.»

مرضیه، دختری نوجوان است که همزمان با سقوط نظام جمهوری دانش‌آموز صنف دهم مکتب بوده است. او که در دو سال گذشته از آموزش بازمانده است، می‌گوید که به دلیل کیفیت پایین اینترنت و مشکلات اقتصادی گاهی نمی‌تواند در دروس آنلاین شرکت کند. با این حال، به گفته او، درس‌های آنلاین در جریان مدتی که دختران از رفتن به مکتب و دانشگاه محروم شده‌اند، گزینه خوبی است.

تیم راه دانش در حالی زمینه آموزش را برای دختران محروم از مکتب فراهم ساخته است که طالبان پس از تسلط بر افغانستان در ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، نخست درب مکاتب و سپس همه دانشگاه‌های دولتی و خصوصی را به روی دختران بستند. رهبری این گروه همچنان کار زنان در موسسه‌های غیردولتی را به حالت تعلیق درآورده‌اند. زنان و دختران زیادی در داخل کشور از روی ناگزیری به تولید صنایع دستی از جمله خیاطی، گل‌دوزی و قالین‌بافی روی آورده‌اند. با وجود این‌که وضع محدودیت بر آموزش دختران و کار زنان در موسسه‌های غیردولتی واکنش شهروندان و کشورهای جهان را در پی داشته، اما طالبان به این واکنش‌ها تمکین نکرده است.

چرا طالبان

حکومت فراگیر نمی‌سازند؟

نویسنده: شجاع‌الدین امینی



رهبران آن‌ها خلاف آرمانی که برای تحقق آن جنگیده بودند، گام برمی‌دارند.

۱-۳ طالبان، اختلاف و پراکنده‌گی در آرا را به زیان خود ارزیابی می‌کنند؛ از این‌رو، می‌پسندند تا در حکومت‌شان یک‌پارچه‌گی، یک‌رنگی، یک‌دسته‌گی و یک‌دنده‌گی حاکم باشد. همین است که تا این دم یک‌انچ هم از موضع خود مبنی بر مخالفت با ساختن ساختار سیاسی فراگیر دموکراتیک، کوتاه نیامده‌اند. طالبان فکر می‌کنند که پراکنده‌گی و اختلاف در آرا، زمینه را برای اعمال سلیقه در اتخاذ تصمیم‌های حکومتی فراهم می‌سازد و روند اجرای اوامر و فرامین رهبری این گروه را به بن‌بست می‌کشاند؛ یعنی فکر می‌کنند به هر پیمان‌ه که یگانه‌گی و یک‌رنگی در آرا حاکم باشد، به همان پیمان‌ه فرامین رهبری طالبان خوب‌تر و زودتر به منصفه اجرا درخواهد آمد. این‌که اختلاف در آرا می‌تواند ضامن رشد و تعالی فکر باشد، برای طالبان مفهوم نیست. طالبان فکر می‌کنند که تاکید بر یگانه‌گی آرا و خشکاندن ریشه‌های تفاوت بر حفظ وجهات رژیم و اجرای اوامر رهبری این گروه کمک شایانی می‌رساند. برای همین زمانی که فرمانی از آدرس رهبری این گروه صادر می‌شود، فوراً بی‌کم‌وکاست برای عملی‌سازی آن اقدام صورت می‌گیرد. در نظر طالبان، فرامین رهبری نمی‌تواند چون‌وچرا داشته باشد. باید فارغ از قید چون‌وچرا در عمل پیاده شود. طالبان فکر می‌کنند با ورود به ساختاری که نیروهای غیرطالبانی در آن حضور داشته باشند، یگانه‌گی در آرا جای خود را به چندگانه‌گی می‌سپارد و این به زیان است، نه سود.

۲- موضع ناروشن دنیا و تشتت در صف نیروهای مخالف طالبان

عدم اتخاذ موضع روشن و واحد از سوی دنیا و همچنان نیروهای مخالف طالبان، سبب شده است که طالبان بر ایستاده‌گی روی موضع خود مبنی بر مخالفت با تشکیل حکومت فراگیر قاطع‌تر شوند؛ یعنی این عامل زمینه را برای به ثمر رساندن مطالبات طالبان بیشتر مساعد کرده است تا مطالبات دنیا و نیروهای مخالف طالبان. در این خصوص، به دو نکته پرداخته می‌شود: ۱-۲ هیچ‌یک از کشورهای همسایه و جهان تا این دم رژیم سرپرست طالبان را به رسمیت نشناخته است و مهم‌ترین دلیل آن را اجتناب این گروه از تشکیل حکومت فراگیر عنوان می‌کنند. تاکید دنیا بر تشکیل حکومت فراگیر، امری نیک و پسندیده است و در موافقت با خواست مردم افغانستان و نیروهای مخالف طالبان قرار دارد؛ ولی مشکل در این‌جا است که دنیا

از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان یک سال و هشت ماه و چند روزی می‌گذرد. این زمان، زمان کمی نبود. زمان زیادی برای اثبات طالبان بود. در این مدت نه طالبان توانسته‌اند مهم‌ترین آرزوی خود را آکه شناسایی رسمی از سوی دنیا باشد؛ برآورده سازند و نه هم نیروهای مخالف طالبان توانسته‌اند کاری ملموس و قابل توجه انجام دهند. همین‌طور کشورهای همسایه، منطقه و فرمانطقه هم قادر به اعمال فشار بیشتر بر طالبان نشده‌اند تا تجدید نظر در گفتار و رفتار این گروه پدید آید. دنیا یک خواست مشترک را پیش پای طالبان گذاشته است: تشکیل حکومت فراگیر. طالبان هم همیشه یک پاسخ به خواست دنیا داده‌اند: حکومت ما [طالبان] فراگیر است و شرایط شناسایی را تکمیل کرده‌ایم. تا هنوز گامی که دلالت بر تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان کند، نه از سوی طالبان برداشته شده است و نه هم از سوی دنیا. سر باز زدن طالبان از تشکیل حکومت فراگیر قابل فهم است، اما بی‌مبالاتی دنیا در این خصوص قابل فهم نیست و جای نگرانی دارد. این نوشته می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که چرا طالبان به تشکیل حکومت فراگیر تن نمی‌دهند؟ پاسخ‌ها به این پرسش در دو بخش ارائه می‌شود: ۱- هراس طالبان؛ و ۲- موضع ناروشن دنیا و تشتت در صف نیروهای مخالف طالبان.

۱- هراس طالبان

طالبان از تشکیل حکومت فراگیر هراس دارند؛ از این رو، از تن دادن به تشکیل این نوع حکومت طفره می‌روند. نه مطالبه دنیا را در این خصوص جدی می‌گیرند و نه هم مطالبه نیروهای غیرطالبانی یا هم مخالف خود را. به باور من، هراس طالبان از تشکیل حکومت فراگیر، ریشه در نکات ذیل دارد:

۱-۱ طالبان با تمرکز و انحصار دم‌سازند تا مشارکت. دوست دارند تافته جداافتاده از سایر گروه‌های سیاسی بمانند؛ چون سامانه فکری این گروه با هیچ گروه سیاسی دیگر در افغانستان نمی‌سازد؛ حتا با جریان‌هایی که راه نجات افغانستان را در پیمودن مسیر تعامل با طالبان می‌پایند. طالبان از مشارکت و ادغام در ساختاری که نیروهای غیرطالبان در آن باشند، شدیداً هراس دارند؛ چون گمان می‌کنند که به مرور در درون این ساختار می‌پژمردند و نابود می‌شوند. طالبان بقا و دوام خود را در کوبیدن بر طبل انحصار می‌جویند. فکر می‌کنند بقای‌شان با ساختن و نگهداشتن ساختار سیاسی شدیداً متمرکز و انحصارگرا تضمین می‌شود. طالبان را اگر «زهر» بینگراییم، پادزهر آن تشکیل حکومتی است که نیروهای غیرطالبانی یا هم ضد طالبانی در آن مشارکت داشته باشند. طالبان به حذف خود از راه جنگ رضایت می‌دهند، ولی به تشکیل حکومت فراگیر نه؛ چون فکر می‌کنند که اگر به واسط جنگ حذف شوند، امکان برگشت‌شان مساعد خواهد بود، ولی اگر در قالب ساختار سیاسی فراگیر دموکراتیک جا داده شوند، به مرور ماهیت صلب و سخت خود را از دست خواهند داد که این به معنا حذف‌شان از ریشه خواهد بود. طالبان دوست دارند طالبان بمانند.

۱-۲ طالبان آبه قول خودشان؛ برای استقرار نظام اسلامی در افغانستان جنگیده‌اند؛ این ادعایی است که مقام‌های طالبان به کرات مطرح کرده‌اند. به باور طالبان، از آن‌جایی که قبلاً نظام اسلامی در افغانستان مستقر نبوده، برای استقرار این نوع نظام جنگیده‌اند. طالبان، نظام قبل از خود و حاکمان و کارگزاران آن را خادم بیگانه‌گان به‌ویژه ایالات متحده آمریکا می‌دانند. حالا، فکر می‌کنند تن دادن به مشارکت در ساختاری فراگیری که کارگزاران و حاکمان قبلی در آن حضور داشته باشند، نقض غرض محسوب می‌شود. همچنان مقام‌های طالبان فکر می‌کنند که با ادغام در ساختاری فراگیر، جنگ‌جویان این گروه به عدم اطاعت از رهبری این گروه ترغیب می‌شوند؛ چون شاید گمان کنند که

برای اقناع طالبان به تشکیل حکومت فراگیر به ابزار موثر و نتیجه‌بخش متوسل نشده است. نه‌تنها چنین نشده، بلکه از رفتار برخی کشورها این‌طور استنباط می‌شود که رغبت چندانی به این امر ندارند و آن‌چه بر زبان می‌رانند، به خاطر دل‌خوشی زودگذر نیروهای مخالف طالبان از یک سو و برائت یافتن از این اتهام که گروهی را به رسمیت شناخته‌اند که به هیچ‌یک از مطالبات مشروع مردم افغانستان و دنیا تمکین نمی‌کند از سوی دیگر است. مزید بر این، دنیا مراد خود از مفهوم «حکومت فراگیر» در افغانستان را روشن نساخته است. میان موضع کشورهای همسایه و منطقه با کشورهای غربی در خصوص ضرورت تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان اختلاف دیدگاه وجود دارد و این امر طالبان را بر ایستاده‌گی روی موضع‌شان بیشتر ترغیب کرده است. در ذیل به این دو موضع متفاوت پرداخته می‌شود:

۱-۲-۱ کشورهای غربی بیشتر دم از حقوق بشر و حقوق زن می‌زنند و طوری صحبت می‌کنند که حکومت فراگیر در تبع این دو موضوع قرار می‌گیرد؛ یعنی برای این کشورها، اولویت بر تامین حقوق بشر و حقوق زن است نه حکومت فراگیر. البته از این امر نمی‌توان بی‌اهمیتی حکومت فراگیر در نظر این کشورها را مراد کرد. می‌توان گفت که اهمیت حکومت فراگیر با اهمیت حقوق بشر و حقوق زن در نظر کشورهای غربی هم‌پایه نیست. در حالی که حقوق بشر و حقوق زن زمانی می‌تواند تامین شود که حکومت فراگیر در افغانستان برقرار باشد. از موضع‌گیری این کشورها چنین برمی‌آید که طالبان با این شکل و ماهیت اگر نرمشی در خصوص رعایت حقوق بشر و حقوق زن از خود نشان دهند، سزوار شناسایی هستند، ولو این‌که حکومت فراگیری تشکیل ندهند. برای نمونه، ایالات متحده دارایی‌های دولت پیشین افغانستان در بانک‌های خارجی را مسدود کرده است تا به دست طالبان نیفتد؛ یعنی طالبان را شایسته این نمی‌بیند که از این دارایی‌ها استفاده کنند. اما از دیگر سو، هفته‌ای چهار میلیون دالر ذیل نام کمک بشردوستانه از سوی کشورهای غربی به افغانستان سرازیر می‌شود؛ این در حالی است که طالبان به هیچ‌یک از مطالبات این کشورها نه‌تنها ترتیب اثر ندادند، بلکه سرسختانه‌تر خلاف مراد این کشورها رکاب می‌زنند.

۱-۲-۲ اگر دقت شود، کشورهای منطقه در نقطه مقابل این دیدگاه قرار می‌گیرند. این کشورها بیشتر دم از حکومت فراگیر می‌زنند تا تامین حقوق بشر و حقوق زن. البته این به این مفهوم نیست که این کشورها از نقض حقوق بشر و حقوق زن توسط طالبان حمایت می‌کنند. می‌توان گفت که در دیدگاه این کشورها اهمیت حقوق بشر و حقوق زن در تبع اهمیت حکومت فراگیر قرار می‌گیرد؛ یعنی اهمیت حکومت فراگیر بر اهمیت حقوق بشر و حقوق زن سنگینی می‌کند. اگر در قالب حکومت فراگیری که کشورهای منطقه خواهان تشکیل آن در افغانستان هستند، حقوق بشر و حقوق زن آن‌گونه که کشورهای غربی می‌خواهند رعایت نشود، چندان جای نگرانی ندارد؛ چون این کشورها تعریف ویژه خود را از حقوق بشر و حقوق

زن دارند که لزوماً با تعریف کشورهای غربی یکی نیست. برای این‌که ناروشن بودن موضع کشورهای منطقه پیرامون ضرورت تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان روشن شود، یک نمونه آرایه می‌کنم: چندی پیش نشست‌ی که در سمرقند در مورد افغانستان با حضور برخی کشورهای منطقه برگزار شد، چین به‌مثابه قدرت بزرگ منطقه‌ای در این نشست اعلام داشت: «ما از حکومت معقول و میانه‌رو در افغانستان پشتیبانی می‌کنیم.» این سخن مقام‌های چینی ضمن آن‌که گنگ و ناروشن است، سطحی و سرسری نیز است. یعنی می‌خواهد بگوید که اگر حکومت فراگیری در افغانستان شکل بگیرد، ما (چین) از آن حمایت می‌کنیم و اگر هم شکل نگیرد، طالبان را به خاطر تشکیل و عدم تشکیل آن مواخذه نمی‌کنیم و به تعامل خود با این گروه ادامه می‌دهیم.

ضمن آن‌که میان مطالبات کشورهای منطقه و غربی از طالبان موازنه و هم‌سویی چندانی برقرار نیست، هیچ‌یک تا این دم به ابزارهای فشار موثر برای اقناع طالبان مبنی بر تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان توسل نجسته‌اند. این امر طالبان را در مخالفت با تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان قاطع‌تر می‌سازد.

۲-۲ تشتت در صف نیروهای مخالف طالبان وحدت در صف نیروهای مخالف طالبان وجود ندارد و اختلاف‌ها گاهی چندان عمیق می‌گردد که دشمن مشترک به فراموشی سپرده می‌شود. جبهه مقاومت ملی به رهبری احمد مسعود، مقاومت نظامی را گزینش کرده است. به باور این جبهه، مذاکره با طالبان نتیجه نمی‌دهد و از این‌رو، تنها گزینه کارآمد نبرد مسلحانه است. جبهه آزادی هم که از سوی نظامیان حکومت قبلی تشکیل شده، به جنگ مسلحانه روی آورده است و مذاکره با طالبان را نتیجه‌بخش نمی‌داند. شورای مقاومت برای نجات افغانستان که عمدتاً متشکل از رهبران قومی-سیاسی است، اولویت‌شان بیشتر مذاکره است تا جنگ مسلحانه. این شورا نه‌تنها با جبهه مقاومت ملی هم‌سویی ندارد، که گاهی غوغای برخی اعضای این شورا با رهبری این جبهه بالا می‌گیرد. جریانی به نام «حرکت ملی صلح و عدالت» به رهبری محمدحنیف اتمر، یکی از سیاست‌گران افغانستان، تاسیس شده است که این نیز اولویت و اهمیت را تنها به گفت‌وگو می‌دهد و ضرورت جنگ مسلحانه علیه طالبان را انکار می‌کند. جریان سومی و این جریان به اجرای توافق‌نامه دوحه دل خوش کرده‌اند و باور به این دارند که دنیا به مرور طالبان را برای ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان اقناع خواهد کرد. اشکال در تعدد و تنوع جریان‌های مخالف طالبان نیست؛ اشکال در این است که وحدت نظر میان این جریان‌ها وجود ندارد. فقدان وحدت نظر دو زبان را برای این جریان‌ها به دنبال داشته است: یکی این‌که سبب شده است تا طالبان این جریان‌ها را جدی نگیرند و بیشتر بر موضع خود مبنی بر مخالفت با تشکیل حکومت فراگیر تاکید کنند؛ دوم این‌که دنیا روی این جریان‌ها و فعالیت آن‌ها حساب باز نکند. این امر سبب شده است تا ترازوی تعامل دنیا به سوی و سود طالبان بیشتر سنگینی کند تا جریان‌ها و نیروهای نام‌برده.

حادثه‌های ترافیکی روزهای عید در غزنی؛ دو تن کشته و ۸۶ تن زخمی شدند

۸ صبح، غزنی: منابع محلی از ولایت غزنی می‌گویند که چندین رویداد ترافیکی در جریان روزهای عید در این ولایت روی داده است. منابع از این ولایت روز دوشنبه، ۴ ثور، می‌گویند که در جریان روزهای عید ۵۱ واقعه ترافیکی رخ داده است که در نتیجه دو تن جان باخته و ۸۶ تن دیگر به شمول زنان و کودکان زخم برداشته‌اند. یک منبع در شفاخانه ولایتی غزنی با تایید این خبر گفته است که بیشتر زخمیان این حادثه‌ها به این شفاخانه منتقل شده‌اند. به گفته منبع، بیشتر رویدادها ناشی از برخورد موتورسایکل با موتر بوده است. وضعیت صحتی شماری از زخمیان این حادثه‌ها وخیم بوده و برای رسیدگی بهتر به شهر کابل منتقل شده‌اند.

گفتنی است که در اثر حادثه‌های ترافیکی روزهای عید در ولایت‌های پروان و ننگرهار نیز هفت تن کشته و ۱۳۴ تن زخمی شده‌اند.



جشن تولد غیابی برای مرتضا بهبودی در برابر سفارت افغانستان در فرانسه

۸ صبح، کابل: همکاران و نزدیکان مرتضا بهبودی، خبرنگار فرانسه‌ای افغانی‌الصل، تولد او را به گونه غیابی جشن گرفتند.

الکساندر مستواجا، همسر مرتضا بهبودی، پس از چاشت روز دوشنبه، ۴ ثور، در تویییتی گفته که جشن تولد غیابی مرتضا در برابر ساختمان سفارت افغانستان در پاریس، پایتخت فرانسه، برگزار شده است.

خانم مستواجا نوشته است: «مرتضا بهبودی تولدش را به تنهایی در زندان طالبان سپری کرد. او به ناحق به‌عنوان یک روزنامه‌نگار بازداشت شده و از آزادی قانونی خود محروم شده است.»

نزدیک به ۳۰ تن از نزدیکان و همکاران مرتضا بهبودی در این برنامه حضور داشته‌اند.

مرتضا بهبودی حدود چهار ماه پیش پس از ورود به کابل از سوی طالبان بازداشت شد.

زندانی شدن مرتضا بهبودی با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شده است.

طالبان اما هنوز در مورد اتهام وارد شده به مرتضا بهبودی و چگونه‌گی وضعیت او در زندان چیزی نگفته‌اند.

زنان آزاد افغانستان و دشمنان آن‌ها

نویسنده: پرویز شاه صافی



شدن دستگاه قضایی و آموزش و پرورش کشور که پایان حاکمیت انحصاری روحانیت و ملاها بر این دو بخش بود، تا باز کردن دروازه‌های کشور به روی غرب و محصولات غربی و تاسیس رادیو و تلویزیون که کار دکان‌داران دین را به تدریج بی‌رونق ساخته بود.

در جهان چه بسیار اتفاق افتاده که دیوانه‌گان تاریخ‌ساز شده‌اند. رهبر سیاسی گروه طالبان، ملا هبت‌الله آخوندزاده، هم بزرگ‌ترین پدیده بیداری قرن شده است. اگرچه دیر آمده، اما با زنگ بیداری آمده است. پیرمردی به اسم ملا هبت‌الله آخوندزاده که هنوز مردم او را ندیده‌اند، اما بزرگ‌ترین چراغ‌های روشن‌فکری را نه تنها در افغانستان و آسیا، بلکه در جهان روشن کرده است. امروز طالبان به تنهایی توانسته‌اند نه فقط حکومت اسلامی را زیر پرسش ببرند، بلکه فاتحه همه حکومت‌های دینی را بخوانند. این گروه با آیین خود آن‌چنان بیداری‌ای در جهان به وجود آورده که امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که دین‌گریز نشده باشد.

سخنی به گراف نرفته اگر بگوییم که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، با لشکرش موفق شده بخشی از دستاوردهای ۱۴۰۰ ساله اسلام را نابود کند. هیچ چیزی نمی‌تواند توجیه کند که دختران از درس محروم شوند؛ اما طالبان این مساله را توجیه کرده و جلوگیری از آموزش دختران را دستور پیامبر اسلام خوانده و زن را کشت‌زار مرد دانسته‌اند که بر او واجب است تا در خدمت مرد باشد، نه این‌که آموزش ببیند.

ورود طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ یک نعمت بزرگ تاریخی برای مردم افغانستان شد. اگر چه این ورود به نابودی دستاوردهای ۲۰ ساله جمهوریت منجر شد، اما بنیان حکومت مذهبی و اسلام سیاسی را از بیخ کند و یک‌تنه در حال تبدیل شدن به ترمیناتور ادیان است. این گروه تندرو و ایدئولوژی‌زده به تنهایی منجر به ایجاد یک روشنگری تاریخی و گریز از بن‌بست جهالت دینی شده است. امروز طالبان برای افغانستان به یک ضرورت تاریخی محض به معنای فلسفی آن تبدیل شده‌اند. فلسفی این جهت که به توده‌های بزرگ از مردم، مخصوصاً دختران و زنان افغانستان یاد داده که برای هر چیزی در پی منطق و استدلال آن باشند. طالبان تبدیل به فاکتوری شده‌اند که مردم را به تفکر و پرسش و می‌دارند. از این رو، حال و روز مردم نشان می‌دهد که قرآن را فقط با صوت زیبا و فریای عبدالباسط گوش ندهند و کمی هم به معانی آیات بپردازند. این شد

که بیشتر زنان و دختران معترض تازه فهمیدند که باید از حقوق خود دفاع کنند.

آیین طالبان بیشتر آیین قتال، جنگ، غنیمت، اسیر گرفتن، جزیه گرفتن، سر و دست بریدن، قصاص، لوت‌وکوب کردن زنان و صدور جواز تجاوز بر انسان‌های مظلومی به نام کنیز است. مردم اما فهمیده‌اند که شهوت‌رانی حتا با دختران شیرخواره، قصه‌های کودکانه هم نبوده، بلکه واقعیت‌های غیر قابل انکار در آیین و باور این افراد به ظاهر مومن به نام طالبان و ملایان متحجر است.

اگر نظام قبلی در افغانستان ادامه داشت، بسیاری از جوانان هنوز با نهایت اخلاص منتظر عبادات و مناجات روزهای خاص مذهبی سال می‌بودند یا برای فرا گرفتن دروس دینی به تبلیغ جماعت قدم نهاده بودند، در حالی که امروز این مراسم و مکان‌های مذهبی هم با دیدن رفتار ترسناک طالبان برای مردم محبوبیت خود را از دست داده‌اند. بیش از ۸۰ درصد مردم افغانستان، مخصوصاً دختران و پسران دانشجو، به‌طور ضمنی از این مراسم و جریانات گریزان شده‌اند.

رهبر سیاسی گروه طالبان، ملا هبت‌الله آخوندزاده، هم یک نعمت بی‌مثال است. او به مردم آموخت که هر گنبد و بارگاهی را خلوتگاه و قدسی نپندارند. این مرد یک صفحه از تاریخ افغانستان شد، اما کتابی قطور است برای شناخت جهان‌بینی اسلام سیاسی، دموکراسی دینی، آزادی بیان اسلامی و همچنین اقتصاد اسلامی که طبق فرمایش ایشان مال مسلمان است تا فقر و فلاکت اجتماعی این دنیا را برای خود توشه ورود به بهشت بپندارند و خوار و زار زنده‌گی کنند.

ظهور مجدد طالبان در افغانستان، برکتی شد برای مردمی که در رخ ماه چنین نظامی را می‌دیدند و کسانی که شعار خلافت سر می‌دادند، اما در واقع فاجعه‌ای بود برای بقیه و لکه ننگی بر دامن بشریت. در دوره جمهوریت، نزد بسیاری نام طالبان به معنای نه شرقی نه غربی، بلکه به مفهوم شعار استقلال و آزادی بود؛ اما با سقوط کابل در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، گروه طالبان نه تنها برای زنان و مردان کشور و بخشی از جهان به طنب دار تبدیل شد، بلکه تبدیل به شلاقی برای روشنگری نیز گشت. ملا هبت‌الله آخوندزاده و دیگر چهره‌های رهبری طالبان، برای فرزندان و نسل‌های امروز و بعدی افغانستان هم چراغی پرفروغ روشن کردند که بزرگ‌ترین اندیشمندان افغانستان نتوانسته بودند همانندشان کاری انجام دهند. وزیر تحصیلات عالی طالبان به تنهایی تبدیل به ده‌ها هزار کتاب نانوشته پیرامون روشن‌فکری و روشن‌بینی شده است. طالبان هیچ‌وقت لیاقت حکومت بر ملت روشن‌فکر افغانستان را به دست نخواهند آورد؛ چون زنان معترض افغانستان برای طلب زنده‌گی عادی، آزادی، تحصیل، کار و نفی دیکتاتوری التماس نخواهند کرد. همیسته‌گی ملی زنان و دختران جوان روزبه‌روز باعث شده که مردان کشور هم شعار «یا همه یا هیچ‌کس» را سر دهند؛ این‌که ما نه افغانستان گذشته را می‌خواهیم و نه افغانستانی که طالبان یا بنیادگرایان مذهبی و قومی دیگر طلب آن را دارند. اکنون یک افغانستان دموکرات، سبز و توسعه‌یافته به رمز مبارزه مردم افغانستان علیه طالبان تبدیل شده است.

رهبان کشورهای اروپایی اطراف دریای شمال، در نشست در بلژیک متعهد شده‌اند که سرعت تولید برق بادی فراساحلی در منطقه را برای تقویت امنیت انرژی افزایش دهند. برنیاد گزارش رویترز، رهبران کشورهای فرانسه، آلمان و هلند روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، هدف از این اقدامشان را کاهش وابستگی به گاز روسیه و کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی عنوان کرده‌اند. مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک، گفته است: «به دلیل جنگ وحشیانه روسیه علیه اوکراین، کاملاً روشن است که ما باید انرژی بیشتری تولید کنیم.» رهبران این کشورها در بیانیه مشترکی اعلام کرده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ در دریای شمال و دریای ایرلند، مجموعاً به ۱۲۰ گیگاوات ظرفیت برق دریایی و تا سال ۲۰۵۰ به ۳۰۰ گیگاوات ظرفیت تولید برق فراساحلی خواهند رسید.

مرگ ده‌ها تن در پی توصیه یک کشیش عیسوی؛

رییس جمهور کنیا؛

آنچه ما می‌بینیم، شبیه تروریسم است

گوتش در مقابل لاوروف
«ویرانی» حمله به اوکراین را
محکوم کرد

دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان نشست شورای امنیت به ریاست وزیر خارجه روسیه، «ویرانی» ناشی از حمله مسکو به اوکراین را محکوم کرده است. آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، در مقابل سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، گفته است که تهاجم روسیه نقض قوانین بین‌المللی شمرده می‌شود و باعث ایجاد رنج عظیم برای مردم اوکراین شده است.

او افزوده است: «این به نابه‌سامانی اقتصادی جهانی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ اضافه می‌کند.» گوتش با بیان این‌که جهان با بحران‌های بی‌سابقه و درهم‌تنیده مواجه شده، خاطرنشان کرده است: «سیستم چندجانبه بیش از هر زمان دیگری از زمان ایجاد سازمان ملل متحد تحت فشار است.»

دبیرکل سازمان ملل اضافه کرده است: «تنش‌ها بین قدرت‌های بزرگ به بالاترین حد تاریخی رسیده است. خطرات درگیری، از طریق ماجراجویی یا اشتباه محاسباتی نیز وجود دارد.»

لاوروف ریاست جلسه‌ای را با موضوع «چندجانبه‌گرایی موثر» از طریق دفاع از اصول منشور سازمان ملل برعهده داشت.

این در حالی است که سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به هدف ریاست بر جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد در روزهای ۲۴ و ۲۵ ماه جاری میلادی، امروز وارد شهر نیویارک آمریکا شد.

گفتنی است که روسیه در ماه اپریل سال روان ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد را برعهده دارد.



هشدار بریتانیا به چین؛

پنهان کاری در مورد گسترش

نظامی اشتباه محاسباتی

غم انگیز دارد

جیمز کلورلی وزیر امور خارجه بریتانیا، از چین خواسته است تا در مورد دلایل آنچه که او بزرگترین افزایش نظامی در تاریخ زمان صلح خواند، بازتر عمل کند.

برنیاد گزارش رویترز، کلورلی روز سه‌شنبه، ۲۵ اپریل، به چین هشدار داده است که پنهان کاری می‌تواند منجر به «اشتباه محاسباتی غم انگیز» شود.

او با بیان اینکه بریتانیا برای تلاش برای تعمیق همکاری با متحدان در هند و اقیانوس آرام باز است، از چین خواست تا در مورد اهداف خود شفاف باشد.

کلورلی افزوده: «من از چین می‌خواهم که در مورد دکترین و قصد توسعه نظامی خود به همان اندازه باز باشد، زیرا شفافیت مطمئناً به نفع همه است و پنهان کاری تنها می‌تواند خطر اشتباه محاسباتی غم‌انگیز را افزایش دهد.»

روابط بین بریتانیا و چین بدترین روابط در دهه‌های اخیر است، زیرا لندن سرمایه‌گذاری چین را به دلیل نگرانی‌های امنیتی ملی محدود کرده و نگران افزایش قاطعیت نظامی و اقتصادی پکن شده است.

در حالی که رهبران فرانسه، آلمان و اسپانیا در شش ماه گذشته از چین بازدید کرده‌اند و خواستار تعامل با دومین اقتصاد بزرگ جهان شده‌اند، ایالات متحده و بریتانیا رویکرد سخت‌گیرانه‌تری نسبت به آنچه که تهدید فزاینده پکن برای منافع خود می‌دانند اتخاذ کرده‌اند.

ویلیام روتو، رییس‌جمهور کنیا، ده‌ها مرگ ناشی از گرسنگی در میان پیروان یک کشیش در جنوب این کشور را با نتایج اقدامات تروریستی مقایسه کرد.

خبرگزاری فرانسه روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، به نقل از رییس‌جمهور کنیا گزارش داده که تعداد کشته شده‌گان ناشی از «روزه تا سرحد مرگ» به ۷۳ تن افزایش یافته است.

وی تأکید کرده است که پل مکنزی، یکی از کشیش‌های این کشور، در حال حاضر از سوی پولیس بازداشت شده و باید در زندان باقی بماند.

روتو تصریح کرده است: «آن‌چه ما می‌بینیم، شبیه تروریسم است. آقای مکنزی تظاهر می‌کند و به‌عنوان یک کشیش ظاهر می‌شود؛ در حالی‌که در واقع یک جنایتکار وحشتناک است.»

مکنزی به اتهام این‌که به پیروانش گفته بود که برای دیدار با «مسیح» تا سرحد مرگ روزه بگیرند، بازداشت شده است.



سقوط هواپیمای بی‌سرنشین با موتور آمریکایی در نزدیکی مسکو

آتش‌سوزی رخ نداده است. در حال حاضر نیروهای امنیتی روسیه بررسی‌هایشان را آغاز کرده‌اند تا منبع پرتاب آن را تشخیص دهند. در اواخر ماه فیبروری سال جاری نیز یک پهپاد در نزدیکی روستای گوباستوو واقع در شهر کولومنا در نزدیکی مسکو سقوط کرد.

پیش از این، مسکو واشنگتن را به جمع‌آوری اطلاعات از بخش‌های مهم روسیه به نفع اوکراین متهم کرده است.

است. اسپوتنیک روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، به نقل از منابع خود گزارش داده که این هواپیمای بدون سرنشین در نزدیکی نوگینسک در اطراف شهر مسکو سقوط کرده است. براساس اطلاعات نشر شده، هواپیمای بدون سرنشین سقوط داده شده ۱۰۰ کیلوگرام وزن داشته و لاشه آن در نزدیکی یک باغ پیدا شده است.

گفته می‌شود که هنگام سقوط این هواپیما انفجار و

برنیاد گزارش‌ها، یک هواپیمای بدون سرنشین با موتور آمریکایی در نزدیکی مسکو، پایتخت روسیه، سقوط کرده

بسته جدید تحریمی؛ اتحادیه اروپا شرکت «آرین تل» و هشت
مقام ایرانی را تحریم کرد

مخابرات استفاده شود، وجود دارد. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو از مقام‌های ایران خواسته‌اند تا از سرکوب خشونت‌آمیز اعتراض‌های مسالمت‌آمیز دست بکشند و از توسل به بازداشت‌های خودسرانه به‌عنوان ابزاری برای خاموش کردن صدای منتقدان خودداری کنند.

این نهاد همچنین از مقام‌های ایران خواسته است تا کسانی را که به ناحق بازداشت شده‌اند، آزاد کنند. این ششمین بسته تحریمی پی‌درپی اتحادیه اروپا علیه ایران است.

فهرست افراد جدید تحریم‌شده شامل نماینده‌گان مجلس ایران، اعضای سپاه پاسداران و اعضای بنیاد تعاون سپاه است. بر پایه گزارش شورای اتحادیه اروپا، تحریم‌ها علیه ایران تاکنون شامل ۲۱۱ فرد و ۳۵ نهاد شده است. این محدودیت‌ها مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر به اتحادیه اروپا را شامل می‌شود.

از جانبی، شورای اتحادیه اروپا تصریح کرده که ممنوعیت صادرات تجهیزات به ایران که ممکن است برای سرکوب اعتراضات مورد استفاده قرار گیرد و یا برای نظارت بر

شورای اتحادیه اروپا اعلام کرده است که تدابیر محدودکننده‌ای را علیه هشت فرد و یک نهاد «مسوول نقض حقوق بشر» در ایران اعمال می‌کند. شورای اتحادیه اروپا روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، در بیانیه‌ای گفته که شرکت آرین‌تل، ارایه‌کننده خدمات تلفن همراه در ایران را تحریم کرده است.

این نهاد می‌افزاید که این شرکت به ساختار نظارتی مخابراتی که از سوی دولت ایران برای سرکوب مخالفان و صداهای انتقادی در ایران ترسیم شده، کمک کرده است. همچنان طبق گزارش وبسایت شورای اتحادیه اروپا،

درگیری‌ها در سودان؛ دبیر
کل پیشین سازمان ملل برای
برقراری صلح وارد میدان شد

بان کی مون، دبیرکل پیشین سازمان ملل، در یک سفر غیرمنتظره به نماینده‌گی از جمع رهبران سابق که در برقراری صلح مشارکت دارند، از میانمار و سودان بازدید کرده است.

برنیاد گزارش‌ها، مون پس از دعوت از سوی ارتش میانمار روز دوشنبه، ۲۴ اپریل، به آن کشور، سفر کرده است.

او در رأس یک هیأت کوچک به سودان نیز رفته و آنجا مورد استقبال معاونان وزیر دفاع و امور خارجه این کشور قرار گرفته است.

وی سپس با مین آنگ هلائینگ، جنرال ارشد و رهبر کودتاچیان، در پایتخت سودان ملاقات کرده است.

تا کنون جزئیات بیشتری از این دیدارها در دست نیست. گفتنی است که نیروهای تحت فرماندهی دو رهبر سابق متحد شورای حاکم سودان، آخر هفته گذشته جنگ شدید بر سر قدرت را آغاز کردند. واشنگتن بارها از طرفین خواست تا به مناسبت فرارسیدن عید فطر آتش‌بس را تمدید کنند؛ اما هر دو طرف به عدم رعایت آتش‌بس متهم هستند.

تا کنون تلاش‌های جامعه جهانی برای کاهش تنش‌ها در سودان بی‌نتیجه بوده است.